قسمت راجع به زنان(سر اجتماعی زنان پس از برداشتن چادر)

شوقی، عباس

البته بیان وقایعی که در شماره 4 شد ما را از ذکر حقایق زیر مانع نمی‏شود باین‏ جهت با نهایت صراحت باید اذعان کرد که نهضت فعلی زنان ایران یک نهضت ضعیف و تا اندازه‏ای مصنوعی و ساختگی است نهضتی است ظاهری و لفظی و لباسی.این نهضت‏ بسان مجسمه زیبائی است عاری از روح،اگر نهضت زنان صورت معنوی پیدا کرد و توانستند در تمام صنوف اجتماع وارد شوند و پس از ورود ابراز لیاقت کنند آنوقت‏ می‏توان امیدوار بود که پیشرفت‏های اساسی حاصل نمایند.تنها حضور چند نفر در دانشسرایعالی معرّف لیاقت و کفایت و معنوّیت نهضت و جنبش اینان نخواهد بود.فرضا دو سه نفر هم بدرجه دکترای ادبیات نائل گردند آن منظور کلی تأمین نمی‏شود هروقت در میان زنان ایرانی همفکری و همکاری پدیدار گردید و زن اصفهانی در حدود زن تهرانی و زن یزدی در حدود زن اصفهانی و این هر سه در حدود زن مازندرانی‏ و گرگانی تقریبا کم‏وبیش بطور متوازی سطح فکر و تربیتشان بالا رفت و هروقت‏ طبقه نویسندگان زبردست و منشیان مفلق و وکلای دادگستری فصیح و چکامه‏ سرایان نغز گفتار و ادبای پرمایه آنهم نه یکی یا دو تا بلکه متعدد قدم بعرصه اجتماع‏ گذاشت آنوقت است که می‏توان زنان را در نهضت خویش موفق و کامیاب دانست.

نهضت زنان در خارج از ایران یعنی در کشورهای باختر دارای مظاهر و حقایق‏ و آثار است.البته نهضتی که طبیعت و جریان امور ایجاد کند غیراز نهضتی است که‏ مصنوعی برپا گردد.مسلما نه ما و نه هیچکس نباید انتظار داشته باشیم که زنان‏ ایران در ظرف ده یا بیست و یا حتی پنجاهس ال دارای شعور اجتماعی و عقیده سیاسی‏ و دماغ زمامداری شوند هرگز میسر نیست این طفل یکشبه ره صدساله ببرد. و لکن نباید هم مجال داد کسانی با منطق ضعیف و استدلال نادرست باعث گمراهی گردیده فقط نهضت و جنبش بانوان را در دایره لباس و آرایش ظاهری و ژورنال مد و حضور در مجالس تفریحی و سواره‏ها و تظاهرات محصور سازند.بدیهی است منظور این نیست که زن تمام اوقات خود را در درون خانه و داخل لانه بگذارند تا آنجائی‏ که اصول مشروع اجتماع و ناموس شریف تجمع حکم میکند،زن باید در اجتماع و انجمن‏ها و کلوپ‏ها و احزاب و غیره حاضر و از مظاهر مدّنیت عصر استفاده نماید. عجالة در اینمورد جای بحث نیست زیرا زنان ایران این مرحله را گذرانده و خواهی‏ نخواهی وارد زندگانی اجتماعی شده‏اند منتهی باید در این راه بطور عاقلانه قدم بردارند تا حداکثر استفاده را حاصل نمایند و قبل از توجه بمراحل فریبنده سیاسی جامعه‏ زنان را بتمام معنی از نعمت تربیت و تمدن متنعم و بهره‏ور سازند تقاضاهای سیاسی‏ و خیالات واهی بعضی بانوان افراطی از قبیل شرکت در انتخابات و غیره فعلا بیمورد و نامناسب است.هنوز نهضت زنان ایران یا بهتر بگوئم زنان تهران و یا صریحتر عرض کنم زنان شمال تهران بدرجاتی از عمق نرسیده و عمومیت حاصل نکرده و چندان‏ در کشور ریشه ندوانیده و ظهور و بروز و فعالیت و آثاری نداشته است پس چگونه‏ می‏توان پله دوم نردبام را طی نکرده بآخرین پله آن قدم گذاشت؟

کاریرا که مرور زمان باید انجام دهد با اصرار و ابرام این و آن،حاصل و میسر نخواهد گشت.آنچه نتیجه میدهد تحول و تطور تدریجی است نه انقلاب.بسیاری‏ انقلابها در بسیاری از کشورها رویداده و لکن چون تکامل تدریجی زمینه را حاضر نکرده بود نه تنها منظور حاصل نگشت بلکه عکس العمل شدیدی نیز حادث شد و لکن وقتی امری با مرور زمان تحقق یابد و پایهء آن روی قرون استوار شود هرگز روی تزلزل بخود نخواهد دید.

نهضت بانوان اکنون باید صرفا روی تربیت جامعه زنا ایرانی باشد یعنی بجای‏ اینکه دنبال ظواهر برود بابتکار در فنون بپردازد و بفراگرفتن بهترین تعلیمات مبادرت‏ نماید و باستوار ساختن شالوده آزادی خویش بکوشد و بخدمات اجتماعی و تعقّل در زندگانی همت کند و مخصوصا مرد را باین نکته قانع سازد که بدون وجود و بدون شرکت عملی و بدون یاری و همکاری او از مرد کاری ساخته نیست و ضمنا از تربیت‏ جنبه عاطفی خویش نیز خودداری نکند و الا یک اقلیت کوچک از بانوان بدون پشتیبانی‏ و جلب مساعدت و اکثریت بزرک سایر بانوان بمقاصد خویش نخواهد رسید.

هروقت زنان ایران توانستند نیروی منظم بدیع و قدرت عقلی وسیع و همت و شهامت عالی بروز دهند یعین بهمان اندازه‏ایکه مثلا آزادی‏طلبان مرد برای حصول‏ حکومت ملی و رژیم مشروطیت تحمل فداکاری میکنند و از زندان و زجر و مرک‏ نمیترسند آنان نیز برای جانبازی و ایثار نفس و حمله و هجوم آماده گشته و همکاری‏ و وحدت عقیده نشان دادند و از جمال و مال و غنج و دلال در موقع ضرورت گذشته‏ از خاصیت جنسی خویش تا حدی خارج شدند تلّون و تغیّر و تقلّب را کنار گذاشتند و بر نفس خویش مستولی و مسلط گشتند آنوقت بدست آوردن زمام کشور و ارد شدن در صحنه سیاست و جلوس نمودن روی کرسی پارلمان آسان خواهد بود.

اگر در سرزمین باختر جنس لطیف برای بدست آوردن حقوق سیاسی اقدامات‏ نموده‏اند بعلت آنستکه تطور انسانی در ملتهای غرب بهیچوجه در زنان کمتر از مردان‏ نبوده است.پری پیکران آنجا از حیث نیروی جسمی و تطور عقلی شاید از موجودات‏ خشن و جنگی آن محیط یعنی مردان جلوتر هم رفته باشند.شاید بهمین جهت بوده که‏ اشخاصی مانند«برداخ»معتقدند که زنان برای مسئولیت سیاسی صالحتر از مردان میباشند...از بانوان این کشور چنین انتظار میرود که نهضتی را سر گیرند یا نهضتی را که سر گرفته‏اند با نهایت کرامت و شرافت و با نهایت جدیت‏ و ثبات قدم ادامه دهند و ضمنا این نکته را متوجه باشند زن در هرحال و در هر مکان و در هر مقام آیت جمال و انگیزهء عشق و کانون عاطفه بوده و دارای صفات مخصوص جنسی خود میباشد باین جهت باید برای حفظ یک گذشته عشق‏آمیز و ایجاد یک آینده درخشان‏ و تحقق آمال و احلام آرزوها تدریجا مساعی لازم ابراز دارند.با تشتّت و تردید و هوسبازی‏ کاری از پیش نمیرود و یقین بدانند در اثر جمال و دلال و آرایش و ظرافت و زیب و زیور مرد مفتون و مسحور زن میشود،اما اگر زن بخواهد احترام و شخصیت خویش را در مرد مسجل و مسلم سازد باید جنبه عقل و شرافت خود را هرچه بیشتر رشد و نموّ دهد.